

# گلزار ادبی

۱۱۸

## اثری کودکانه از نسیم شمال

### سیدفرید قاسمی

آن روزگار تدریس می‌شده است. «گلزار ادبی» را تاکنون دوبار به‌طور مستقل چاپ کرده‌اند. تاریخ چاپ دوم آن ۱۳۳۲ ق است<sup>(۱)</sup> این کتاب را سیداشرف برای دانش‌آموزان «کلاس دویم و سیم ابتدایی [و] خاصه برای عموم مردم» تدوین کرده است. در صفحه عنوان این کتاب ذیل «اخطار» می‌خوانیم: «کتاب گلزار ادبی که از نتایج افکار و اثر خامه یگانه دانشمند آقای سیداشرف

سید اشرف‌الدین الحسینی گیلانی قزوینی‌الاصل (۱۲۸۷ ق - ۱۳۱۲ ش) از نوادر تاریخ مطبوعات ایران و از روزنامه‌نگاران و روزنامه‌داران مجهول‌القدری است که تاکنون: محسن حریرچیان ساعی، سعید نفیسی، سیدمحمدعلی جمال‌زاده، حبیب یغمایی، محمد صدرهاشمی، یحیی ریحان، محمدابراهیم باستانی پاریزی، محمداسماعیل رضوانی، رحیم رضازاده ملک، یحیی آریز پور، مهدی بامداد، ابوالقاسم حالت، ابراهیم صفایی، محمداسماعیل وطن‌پرست، ماخالسکی، احمد اداره‌چی گیلانی، حسین نمینی و بسیاری دیگر از دانشمندان و نویسندگان کوشیده‌اند زوایایی پنهان از حیات پُر برگ و بار او را آشکار کنند تا جایگاه بلند وی در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران معاصر شناخته شود.

انگیزه نگارش این هجیزه، تکرار مکررات نیست. علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی بیشتر از احوال و آثار سیداشرف‌الدین گیلانی به نوشته‌های نامبردگان بالا مراجعه کنند. هدف از نگارش این مختصر، معرفی کتاب «گلزار ادبی» اوست که برای دانش‌آموزان ابتدایی و عامه مردم

۱. کتاب گلزار ادبی در دهه ۷۰ در دو مجموعه تجدید چاپ شده است که این مختصر با استفاده از این دو مجموعه نوشته شده است: ۱. «کلیات جاودانه نسیم شمال سید اشرف‌الدین گیلانی»، به کوشش حسین نمینی، تهران، اساطیر، ۱۳۷۱، ۹۱۰ صفحه. «کلیات سیداشرف‌الدین گیلانی نسیم شمال»، با مقدمه و اهتمام احمد اداره‌چی گیلانی، تهران، نگاه، ۱۳۷۵، ۶۵۰ صفحه.

این دو اثر ارزنده با مقدمه و حواشی کوششگران دانشمند آنها، کمک شایانی به پژوهشگران می‌کند. آنان که در پی دستیابی به زوایای زندگی خصوصی ادبی و مطبوعاتی سیداشرف‌الدین هستند، حتماً می‌بایستی این دو اثر را در اختیار داشته باشند، چرا که با داشتن این دو مجموعه، نه تنها گلزار ادبی بلکه بسیاری از شعرها و دیگر آثار او را در دسترس دارند.

منظوم کردم.

آنان که به ادبیات خارجه پی برده‌اند می‌دانند این دو شاعر ماهر چه شهرتی از خود در عالم یادگار گذارده‌اند و از زبان حیوانات صحرائی و دریایی با چه فصاحت و حکمت داد سخنوری داده‌اند. چنان به زبان حیوانات مطلب را به اطفال فهمانده‌اند بلکه علما و ادبای ایران نیز در عهد قدیم به زبان حیوانات و جانوران کتاب‌ها تألیف کرده‌اند مثل زردشت حکیم که از زبان زنبور عسل و شتر و غیره فضایل عالم انسانی و رذایل عالم حیوانی را به ملتش فهمانیده و همچنین کتاب کلیله و دمنه و موش و گربه علامه مجلسی علیه‌الرحمه که فعلاً حاضر و موجودند در ضمن از همراهی و مساعدت شمع دبستان معرفت آقای میرزا محمد علیخان (بیگلریگی) دشتی دام‌تاییده تشکر می‌نمایم. اگر این تحفه مختصر مطبوع طبع ارباب معارف گردد امید است که در آتیه به انتشار دوره‌های دویم و سیم آن نیز موفق گردم، قبل از ختم این کلمات از دوست ارجمند خود مهین دانشور هوشمند ادیب دانشمند آقای آقامیرزا حسن‌خان نماینده معارف گیلان ادام‌الله افاضاته امتنان دارم که در انتخاب موضوع حکایات از معاونت مضایقه نفرمودند.

اولاً لازم به مآدین است و بس  
ثانیاً اخلاق شیرین است و بس  
هر که شد دارای علم و معرفت  
لایق تمجید و تحسین است و بس  
بی‌خبر از معنی علم و ادب  
بینوا یعفور مسکین است و بس  
سفره عالم زنعمای علوم  
در بساط روح رنگین است و بس  
آن که علم و معرفت را فرض کرد  
حضرت خاتم‌النبین است و بس  
روح بخشش کودکان مدرسه  
شعرهای اشرف‌الدین است و بس

مدیر نسیم شمال به سبک جدید تألیف شده در اداره معارف و تعلیمات عمومی ملاحظه شد و برای کلاس دویم و سیم ابتدایی خاصه برای عموم مردم بسیار مفید است. وزارت معارف تصویب می‌کند که در دو کلاس مذکور تدریس شود. این کتاب در بردارنده سی و سه «حکایت» است. عنوانهای «حکایت»ها از این قرارند: «راست و دروغ»، «گرگ و بره»، «آهو و مو»، «شیر و موش»، «کلاغ و روباه»، «کود و چلاق»، «فیل و پشه»، «اعضای بدن انسان»، «اسب و سگ»، «خر و توله سگ»، «خارکش و مرگ خواستن»، «حیوانات طاعون زده»، «کچل»، «خانه»، «دوقاطر»، «گربه و قالب پنیر»، «پادشاه و چوپان»، «شتر و خر»، «پلنگ و گربه»، «بچه موش»، «دروغگو»، «دوکچل»، «گرگ و اردک»، «ماومن»، «شتر و قوچ و گاو»، «بلبل و مورچه»، «شیر و دوگاو»، «شیر و پلنگ و روباه»، «گربه و آینه»، «ماهی سیم»، «قسمت ادبی»، «پدری با پسرش» و «ده بند».

سید اشرف‌الدین در مقدمه کتاب نوشته است: «... صاحبان عمل و معرفت می‌دانند که یکی از لوازم تعلیمات مدارس جدیده خصوصاً مبتدیان حفظ اشعار است که نه تنها باعث ازدیاد قوه حافظه شاگردان است بلکه این قبیل اشعار حاوی مطالب اخلاقی می‌باشد، یک درس اخلاقی خیلی سهل و ساده به اطفال تعلیم می‌نماید که هرگز فراموش نمی‌شود و همیشه در ذهن و خاطر است. متأسفانه کتابی که جامع حکایات منظومه و اشعار آسان باشد دسترس شاگردان مدارس نبوده و اغلب از این تعلیمات بی‌بهره مانده‌اند. به این ملاحظه این بنده اشرف‌الدین‌الحسینی این مختصر کتاب را ترتیب داده تقدیم معارف نمودم.

امیدوارم که محققین اهل نظر و صاحبان نظر قبول فرمایند اغلب این حکایات از قصص لافن تن و فلوریان که از قطعه‌نویسان فرانسوی و مشهور جمیع فرنگستان می‌باشند استخراج شده و به فارسی

ناشر نیر در «مؤخره» این کتاب آورده است: «به عنایت الهی و به جهد و اهتمام و تشویق معلمین هوشمند اشعار آبدار آقای اشرف‌الدین حسینی در تهران به طبع رسید [۴] اشرف‌الدین پسران و دختران را از زبان حیوانات صحرائی و مرغان هوایی درس اخلاق می‌دهد. امیدواریم به برکت نور علم و معرفت دختران عقیقه پارسا بهتر از پسران شوند تا اطفال معصوم را عالمانه تربیت کنند.

دختر اگر دانا شود طفلش یقین خوانا شود  
پروردگارا ما اطفالیم تو پدر مهربان، الطاف تو  
جوییم، اوصاف تو گویم، دختران را عطا بخش،  
پسران را خطا بپوش، مردان را لباس مغفرت  
پوشان، زنان را زلال معرفت بنوشان، اشرف‌الدین  
را غرق دریای رحمت بفرما، آمین به جاه محمد و  
آله الطاهرین.

و پس از آن می‌خوانیم: «کتابه‌العبد المذنب  
القنانی مرتضی‌الحسینی البرغانی غفرذنبه و  
سترعوبه [۴] در مطبعه استاد فرخنده اختر آقامیرزا  
علی اصغر به معاونت استاد پاک نهاد آقا میرزا حسین  
زید عزهما به طبع درآمد ۱۳۳۲ هجری قمری».  
در کتاب گلزار ادبی، نمونه شعرهایی از  
سیداشرف مندرج است که به نظر می‌رسد شاعران  
پس از او این مضامین را از وی وام گرفته‌اند.  
نمونه‌اش این است:

در بخارا دروغ‌گویی بود

نره می‌زد به هر صباحی زود  
آتش افروختم مسلمانان  
سوختم سوختم مسلمانان  
الامان سوختم معیت کو  
ای بخارایان حمیت کو  
چون کمک می‌رسید با تأکید  
مرد بر ریش خلق می‌خندید  
غرضش ریشخند مردم بود  
عوض تخم‌مرغ گندم بود

خلق چندی دروغ او دیدند  
گول خوردند جمله فهمیدند  
از قضا یک‌شبی لحافش سوخت  
آتش اندر سرای او افروخت  
هرچه فریاد زد به صوت شدید  
سوختم سوختم به داد رسید  
الامان خانه‌ام گرفت آتش  
سقف کاشانه‌ام گرفت آتش  
کس به حرف وی اعتنا ننمود  
دفع آن آتش و بلا ننمود  
همه گفتند این دروغ بود  
ماست گوید ولیک دوغ بود  
الغرض آن دروغ‌گو هم سوخت  
آتشین جامه بر تن خود دوخت  
ای پسر بدتر از قمار و شراب  
خانه‌ها را دروغ کرد خراب  
هرکه گوید دروغ خوار بود  
راستی عز و افتخار بود

سیداشرف‌الدین از زمره معلمان کودک دوست  
بود و باور داشت که چون «سروکارش» با کودک  
است باید با زبان آنان سخن بگوید و «زبان  
کودکی» بگشاید. در تاریخ و خاطرات کسان  
بسیاری که از نزدیک او را می‌شناخته‌اند، ثبت شده  
است که همکاران وی در نشریه نسیم شمال،  
کودکان بودند. او منبعی درآمدزا برای بسیاری از  
کودکان روزگارش فراهم کرده بود. کودکان به  
سراغش می‌رفتند و سید را به چاپخانه می‌بردند.  
وی نیز در چاپخانه مطالب نشریه را می‌نوشت و  
به حروف چین می‌داد. کودکان به انتظار  
می‌نشستند تا نشریه چاپ شود و هر یک به اندازه  
مشتریان خود سهمیه می‌گرفتند و می‌بردند. سید،  
نه روزنامه‌ها را می‌شمرد و نه دفتر و دستکی برای  
ثبت بدهی کودکان داشت. او به کودکان شخصیت  
داده بود. آنها طی چند ساعت، نشریات را  
می‌فروختند و دوباره به چاپخانه می‌آمدند و بدهی

خود را به سید می‌دادند. اگر کمی دیر می‌رسیدند و سید در چاپخانه نبود، به حجره او در مدرسه می‌رفتند و طلب سید را می‌پرداختند. اطرافیان سید نقل کرده‌اند که «او از هیچ کودکی نمی‌پرسید چند نسخه برده‌ای و چقدر پول آورده‌ای».

سید به راستی به کودکان و نوجوانان عشق می‌ورزید و آنان نیز با تمام وجود او را دوست داشتند. یکی از دغدغه‌های او پرداختن به ادبیات کودکان بود. او معتقد بود کودکان و نوجوانان مضامین اخلاقی و مذهبی را در قالب شعر بهتر و راحت‌تر می‌فهمند و تمام هم خود را در این حیطه به کار می‌برد. نمونه‌ای از این‌گونه شعرهای او را در پی می‌خوانید:

«مرا آموخته، استاد، ده پند  
که هر بندی بود شیرین‌تر از قند  
نخستین آنکه هر جا و مکانی  
خدا را حاضر و ناظر بدانی  
دوم تا نیم جانی در تنت هست  
ز علم و معرفت هرگز نکش دست  
سوم تصدیق کن پیغمبران را  
تمام انبیا و سروران را  
خصوصاً حضرت محمود احمد  
شفیع خلق ابوالقاسم محمد  
چهارم این سخن هر جا عیانست  
که قرآن حجت آخر زمانست  
برای خلق در روز قیامت  
ز قرآن می‌شود اتمام حجت

به پنجم با امامان کن تولا  
و گرنه می‌کنی بیجا تقلا  
امامان مشعل راه نجاتند  
ائمہ مظهر ذات و صفاتند  
ششم قائم شود با یک اشارت  
هویدا این سخن را ده بشارت  
بشارت ده زایام ظهورش  
که روشن می‌شود دنیا ز نورش  
به هفتم با تمام اهل عالم  
محبت کن اگر هستی تو آدم  
همه عالم نهال باغ اویند  
برای اسم او در گفتگویند  
به هشتم قلب را می‌کن مقدس  
که تا لایق شود در بزم اقدس  
مشو در لفظ بی‌معنی گرفتار  
ترا رفتار می‌باید نه گفتار».

شاید اگر سید اشرف‌الدین درگیر مسائل سیاسی نمی‌شد و گرفتاری آن روز مردم ستمدیده ایران ذهنش را مشغول نمی‌کرد و نیز شاید اگر مرگ زودرس برای او رقم نخورده بود، سروده‌هایش برای کودکان و نوجوانان بیش از اشعار موجود او می‌بود. این در حالی است که زبان صمیمی و روان او در تمام شعرهایش، این تلقی را به وجود می‌آورد که گویی بیشترین شعرهای خود را برای کودکان و نوجوانان سروده است. جا دارد صاحب صلاحیتی کمر همت بربندد و در این باره تحقیقی جامع ارائه دهد.